

نقش فرهنگی و اجتماعی حرم مطهر حضرت شاهچراغ (ع) در جریان‌های سیاسی کشور

مجتبی طالبی^۱

چکیده

فراخواندن اجباری امام رضا علیه السلام به طوس منجر به مهاجرت سادات بسیاری به ایران شد. یکی از این سادات حضرت احمد بن موسی علیه السلام است. بیش از هزار و دویست سال است که منطقه فارس متبرک به وجود احمد بن موسی (ع) است. او یکی از شخصیت‌های معنوی و بزرگ شیعه به شمار می‌رود. حضرت سید امیر احمد (علیه السلام) ملقب به «شاهچراغ» و «سید السادات الاعاظم»، فرزند بزرگوار امام کاظم (علیه السلام) و برادر امام رضا (علیه السلام) است. نقش حرم مطهر شاهچراغ (ع) در اوضاع سیاسی و اجتماعی شهر شیراز بسیار پررنگ است. در وقایع سیاسی ایران، شیراز، مرکزی برای بست‌نشینی، فرماندهی نیروها، اجتماع معترضان سیاسی و بسیج توده‌های اجتماعی بوده است. با توجه به جریان‌های سیاسی کشور و اهمیت مبارزات سیاسی مردمی در این مقاله با بررسی بست‌نشینی‌ها در شاهچراغ به نقش فرهنگی و اجتماعی حرم مطهر شاهچراغ (ع) در جریان‌های سیاسی کشور پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: حرم مطهر شاهچراغ (ع)، جریان‌های سیاسی، بست‌نشینی در بقعه، انقلاب اسلامی.

۱- دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم، آدرس پست الکترونیکی: Mortazavi1398@gmail.com

مقدمه

بیش از هزار و دویست سال است که منطقه فارس متبرک به وجود احمد بن موسی است. او یکی از شخصیت‌های معنوی و بزرگ شیعه به شمار می‌رود. حضرت سید امیر احمد (علیه السلام) ملقب به «شاهچراغ» و «سید السادات الاعظم»، فرزند بزرگوار امام کاظم (علیه السلام) و برادر امام رضا (علیه السلام) است. ایشان در زمان خلافت مأمون بین سال‌های ۱۹۸ تا ۲۰۳ ه.ق با جمعی از نزدیکان و محبان اهل بیت از مدینه به سوی طوس حرکت کرد و در این مسیر در نزدیک شیراز در جنگ با نیروهای حکومت در محل بارگاه، به شهادت رسید.

فراخواندن اجباری امام رضا علیه السلام به طوس منجر به مهاجرت سادات به ایران شد. یکی از این سادات حضرت احمد بن موسی علیه السلام است که برای یاری امام رضا علیه السلام با کاروانی از خاندان خود از مدینه به ایران هجرت کرد. حضرت احمد بن موسی علیه السلام با هدف دیدار برادر و حمایت از ایشان در برابر دسیسه‌های مأمون به قصد خراسان از مدینه حرکت کرد.

مسیر کاروان، مدینه، بصره، اهواز، فارس، یزد و خراسان بود. چون کاروان به چند فرسنگی شیراز رسید، خبر شهادت امام رضا(ع) به آن نواحی رسیده بود. مأمون که از حرکت احمد بن موسی(ع) و سایر همراهان، توسط مأموران خود آگاه شده بود هراسناک به حاکمان بلاد دستور داد از حرکت ایشان جلوگیری نمایند. پیرو همین دستور قتلخ خان حاکم وقت در غرب شیراز در منطقه «خان زنیان» رو در روی حضرت و همراهانش قرار گرفت. آنان راه را بستند و پس از پاره ای گفتگو، کار به جنگ کشید. حضرت احمد بن موسی(ع) و همراهانشان با شجاعت مقابله کردند و شماری را به هلاکت رساندند. حاکم عباسی برای تضعیف روحیه یاران شاهچراغ(ع)، خبر شهادت امام رضا(ع) را به آنان رساند. این خبر سبب دلسردی آن‌ها و از بین رفتن روحیه گروهی از همراهان حضرت(ع) و در نتیجه پراکنده شدن تعدادی از آنان گردید. حضرت(ع) به ناچار و به اتفاق افراد باقی مانده، ناشناس وارد شیراز شد و پنهان گردید. مأموران پس از تفتیش به محل اختفا که اکنون مرقد ایشان است پی بردند و ضمن نبردی دیگر او را به شهادت رساندند.

مدفن احمد بن موسی(ع) مدت‌ها از دیده پنهان بود و بقعه و ضریحی بر آن قرار نداشت، تا این که در عصر اتابکان فارس (۵۴۳-۶۸۶ هجری) جسد مطهر ایشان در حالی که در «حالت اعتدال بود و تغییر و تبدل در آن تأثیر نکرده بود»، پیدا شد و از طریق خاتمی که در انگشت ایشان بود جسد مطهر مورد شناسایی قرار گرفت. در همان زمان به دستور امیر مقرب الدین مسعود بن بدرالدین، وزیر اتابک سعد زنگی (۶۶۵ هجری) بر محل پیدایش جسد مطهر بقعه ای ساخته شد و از آن زمان تا کنون مرقد مطهر ایشان در شیراز از لحاظ سیاسی تأثیرات عمیقی بر این شهر گذاشته است. با توجه به جریان‌های سیاسی کشور و اهمیت مبارزات سیاسی مردمی در این مقاله با بررسی بست‌نشینی‌ها در شاهچراغ به نقش فرهنگی و اجتماعی حرم مطهر شاهچراغ (ع) در جریان‌های سیاسی کشور پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

مرقد مطهر حضرت شاهچراغ علیه السلام از لحاظ سیاسی تأثیرات عمیقی بر این شهر گذاشته است. این بارگاه در طول تاریخ، شاهد بسیاری از حوادث سیاسی این مرز و بوم و به خصوص حوادث شیراز بوده است. نقش این بقعه مطهر در اوضاع سیاسی این شهر بسیار پررنگ است. در وقایع سیاسی ایران، شیراز، مرکزی برای فرماندهی نیروها، اجتماع معترضان سیاسی و بسیج توده‌های اجتماعی بوده است. از تأثیرات سیاسی حرم حضرت شاهچراغ علیه السلام در شیراز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بست نشینی، تحصن و تجمع در بقعه حضرت در زمان افغانه
- حکومت قاجار، نهضت تنباکو
- نقش پررنگ بقعه در پیروزی انقلاب اسلامی

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی متون انجام شده است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای معتبر به نقش فرهنگی و اجتماعی حرم مطهر شاهچراغ (ع) در جریان‌های سیاسی کشور دست یافته است.

واژه‌شناسی پژوهش

۱- بست نشینی

اصطلاح بست نشینی امروزه مفهوم تاریخی خود را از دست داده است اما «بست» به محل‌های خاص در اماکن متبرکه مثل بقاع متبرکه، مشاهد مکه معظمه و روضه رسول خدا(ص)، مزارات امامزادگان اطلاق می‌شود که عمال حکومتی توانایی تعرض به آن را نداشتند (لغت نامه دهخدا، بست). این ترکیب در دائرةالمعارف تشیع به معنی حرم، مأمن، قرق و در اصطلاح به معنی مکان واجب الاحترامی آمده است که اگر متهم و مجرمی به آن پناه می‌برد از مجازات و تعقیب مصون بود و اگر جنایتی می‌کرد با پرداخت فدیة از قصاص معاف می‌شد. این سنت در دیگر نقاط جهان از دیرباز میان پیروان ادیان گوناگون و ملل مختلف رایج بوده است و وجود اصطلاح «قدس» در زبان عبری و «حرم» و «حرام» در زبان عربی به همین معنی است.

با وجود نامشخص بودن زمان پیدایش این پدیده اجتماعی، بست نشینی در جهان پیشینه ای طولانی دارد و بر اساس مستندات تاریخی این سنت در ایران از گذشته‌های دور وجود داشته است، اما در قالب و شیوه ای خاص از عصر صفویه به بعد رونق بیشتری داشته است. علاوه بر این پیشینه، این سنت اجتماعی در ایران مؤید آن است که بقعه و بارگاه ائمه اطهار(ع) و امامزادگان و اماکن منسوب به آنان و نیز مساجد، تکایا و بناهای متبرکه و خانقاه‌های مشایخ همواره مورد احترام بوده و عاملان حکومتی به راحتی نمی‌توانستند به این مکان‌ها تعرض کنند.

یافته‌ها

در این قسمت بست نشینی در بقعه شاهچراغ (ع) و نقش فرهنگی و اجتماعی حرم مطهر شاهچراغ (ع) در جریان‌های سیاسی کشور بیان می‌شود.

هنگامی که اشرف افغان از نادرقلی خان افشار شکست خورد، افغانه شیراز به قلعه‌های این شهر پناه بردند و با فراهم شدن فرصت به ساکنین شهر حمله کردند و چنان فجایعی به بار آوردند که آن را با حمله مغول به ایران مقایسه کرده اند. مردم برای دفاع از جان خود به بقعه شاهچراغ(ع) پناه بردند. افغانه به بقعه حمله کردند و ضمن غارت، تعدادی از مردم را کشتند. فرصت انتقام تا پس از پیروزی‌های سه گانه نادر (مهماندوست، سردره خوار، مورچه خورت) بر

افاغنه فراهم نشد. اما در نبرد چهارم در نزدیکی زرقان فارس انتقام قتل شیرازی‌های پناه بسته در بقعه از افاغنه، توسط نادر گرفته شد (شعبانی، ۱۳۷۷).

دومین واقعهٔ بست نشینی در عصر قاجاری در جریان نهضت تنباکو رخ داد. ناصرالدین شاه امتیاز خرید و فروش انحصاری توتون و تنباکو را برای مدت ۵۰ سال به کمپانی رژی واگذار کرد. از آنجا که فارس مهم‌ترین منطقهٔ تنباکوخیز ایران بود، اولین هیأت کمپانی به سمت شیراز حرکت کرد. آنان سفارش نامه‌هایی از سوی امین السلطان خطاب به معتمدالدوله حکمران فارس در اختیار داشتند که طبق آن حکمران فارس را ملزم به همکاری با هیأت کمپانی می‌کرد. پس از اطلاع تجار شیرازی از عزیمت هیأت و نگرانی آنان و علما از امتیاز، مبارزهٔ علنی خود را در اوایل ماه رمضان ۱۳۰۸ هجری یعنی هنگامی که خبر قریب الوقوع کارکنان کمپانی در شهر منتشر شد، آشکار کردند. بازارهای شهر به نشانهٔ اعتراض بسته شد و مردم برای کمک متوسل به علما از جمله مجتهد برجستهٔ شهر یعنی سید علی اکبر فال اسیری شدند. سید علی اکبر در سخنرانی‌های مهیج خود از جمله در شاهچراغ(ع) به شدت نسبت به امتیاز نامه اعتراض کرد. عالمان دینی دیگر نیز در سخنرانی‌های خود سید علی اکبر را همراهی کردند. چون معتمدالدوله حاکم فارس به اعتراضات توجهی نکرد، مردم به همراهی علما و تجار در شاهچراغ(ع) بست نشستند و سید علی اکبر در یکی از سخنرانی‌های خود در حرم اعلان جهاد عمومی داد (کرمانی، ۱۳۶۱).

در این میان محمدرضا خان قوام الملک (قوام الملک سوم-بیگلریگی شیراز) به امین السلطان پیشنهاد کرد برای حفظ آرامش شیراز سید علی اکبر به عتبات تبعید شود. دولت این پیشنهاد را پذیرفت و در پایان ماه رمضان سال ۱۳۰۸ هجری سید علی اکبر را از شیراز اخراج کرد (تیموری، ۱۳۶۱، ص ۷۱). اخراج و تبعید فال اسیری منجر به حرکت مردم به سمت خانهٔ این مجتهد برجسته شد. معترضان پس از تجمع در جلو منزل به سمت شاهچراغ(ع) راه افتادند و تجمعی حدود چهار هزار نفر در بقعه شکل گرفت. آنان یکصدا خواهان بازگشت فال اسیری شدند. بیگلریگی شیراز برای اخراج مردم از بقعه متوسل به خشونت شد و در جریان آن تعدادی به قتل رسیدند و عده‌ای نیز مجروح شدند (رحمتی، ۱۳۷۱). پس از دستگیری تعدادی از معترضان، بست نشینان پراکنده شدند. اما این واقعه اعتراض شدید آیت الله محمد حسن

شیرازی را در پی داشت. در نخستین تلگراف به ناصرالدین شاه در مخالفت با امتیاز نامه، ضمن آن که امتیاز تنباکو را منافی صریح قرآن و تهدیدی برای استقلال کشور و اخلال در نظم مملکت و پریشانی وضعیت رعایا دانست صریحاً به قتل و جرح تعدادی از مردم در بقعه احمدبن موسی (ع) اعتراض کرد (کرمانی، ۱۳۶۱).

اگر چه به قول ابراهیم تیموری تبعید علی اکبر فال اسیری به عراق یکی از خطاهای بزرگ امین السلطان بود، زیرا به زعم وی همو بود که سرانجام میرزای شیرازی را برای اخذ تصمیم نهایی (تحریم) آماده کرد ولی با وجود این طبق گزارش‌های خفیه نویسان انگلیسی منع استفاده از محصولات دخانی در شیراز توسط واعظان بقعه احمدبن موسی (ع) در ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۰۹ هجری و قبل از تحریم میرزای شیرازی مطرح شده بود. به هر حال یک هفته بعد، متن فتوای میرزای شیرازی به شیراز رسید و مردم متن آن را در اصلی ترین مرکز تجمع شهر یعنی بقعه شاهچراغ (ع) چسباندند و پیروزی خود را در حرم مطهر جشن گرفتند.

اولین جرعه‌های مشروطه خواهی در شیراز در اعتراض به تعدیات حاکم فارس شعاع السلطنه در سال ۱۳۲۳ هجری و مقارن با اعتراضات آزادیخواهان علیه استبداد قاجاری آغاز شد. شعاع السلطنه تمام املاک مربوط به عصر کریم خان اعم از بازار، کاروان سرا، میدان و... را از دولت خریداری کرد و از مردم شیراز خواست هرکس درباره املاک مذکور اسنادی در دست دارد برای گرفتن ملک خود رجوع کند. مردم در ابتدا توجهی به این اقدام نکردند، اما چون به نیت واقعی او پی بردند، متوسل به میرزا ابراهیم محلاتی شدند و از او چاره جویی کردند. محلاتی به حاکم فارس هشدار داد چنانچه به خواسته‌های مردمی توجه نکند به همراه آنان به نشانه اعتراض در حرم احمد بن موسی به بست خواهد نشست. علاوه بر این نامه ای مبنی بر تظلم خواهی به تهران فرستادند و نسبت به اقدامات شعاع السلطنه اعتراض کردند. چون دولت عین الدوله خود برآمده از نظام استبدادی بود به خواسته‌های معترضین شیرازی توجهی نکرد و مردم جواب مساعدی دریافت نکردند و در بقعه شاهچراغ به بست نشستند (قائم مقامی، ۱۳۵۹).

این تحصن، آغاز علنی جنبش ضد استبدادی مردم شیراز در نهضت مشروطه بود. عالمان مذهبی که تجربه پیروزی در نهضت تنباکو را داشتند این بار نیز تلاش کردند از تحصن مردم

در بقعه احمد بن موسی و شور مذهبی مردم استفاده کنند و مبارزه خود را با رژیم استبدادی پیش ببرند. با همین نیت از همان ابتدا عالمان برجسته ای مثل میرزا ابراهیم مجتهد، سید محمد امام جمعه به تحصن مردم پیوستند و هدایت مبارزات مردمی را به عهده گرفتند. در جریان تحصن، مراسم تعزیه برگزار می‌شد و سخنرانان از فجایعی که بر اهل بیت (ع) رفته بود استفاده می‌کردند تا مردم را برای مبارزه با استبداد تحریک کنند. بست نشینی و تحصن ۵۰ روز طول کشید و چون همچنان عین الدوله به خواسته‌های آنان بی‌توجه بود با ارسال تلگرافی به ولیعهد در تبریز به اقدامات ملک منصور میرزا شعاع السلطنه اعتراض کردند (کرمانی، ۱۳۶۱).

بست نشینی در بقعه که از آغاز سال ۱۳۲۳ هجری شروع شده بود در ماه رمضان اوج گرفت و همان اتفاقاتی که در ایام رمضان و در نهضت تنباکو رخ داده بود تکرار می‌شد. علمای دینی در این ایام حداکثر سعی خود را برای گسترش اعتراض و تجمع به کار بردند. سرانجام اعتراضات مردمی و تحصن حرم به گوش مظفرالدین شاه رسید و وی مجبور شد برای پایان دادن به آشوب‌های شیراز، شاهزاده شعاع السلطنه را به تهران احضار کند. با این فرمان بست نشینی در حرم در اواخر رمضان سال ۱۳۲۳ هجری پایان پذیرفت.

هنوز مدتی از این واقعه نگذشته بود که سردار اکرم -نائب الحکومه- تلاش می‌کرد زمینه بازگشت مجدد شعاع السلطنه را به شیراز فراهم کند. علاوه بر این او هرگونه اعتراض را به شدت سرکوب می‌کرد و مردم از دست سربازان حکومتی امنیت نداشتند. این اقدامات باعث شد مردم به تدریج در شوال سال ۱۳۲۳ هجری در بقعه جمع شوند (قائم مقامی، ۱۳۵۹).

در دهم ذی‌قعدة همان سال میرزا ابراهیم محلاتی به بست نشینان پیوست و جمعیت زیادی به نشانه اعتراض به بست نشستند. پادشاه قاجاری برای بازگرداندن آرامش به شیراز غلامحسین غفاری را به فارس فرستاد. وزیر مخصوص در اواسط ذیحجه همان سال تقریباً ۳ ماه بعد از تحصن مردم در بقعه عازم شیراز شد. مأموریت نماینده شاه، خاتمه دادن به بست نشینی در بقعه بود عین الدوله که از اعزام مجدد شعاع السلطنه به فارس مأیوس شده بود در تلگرافی به وزیر مخصوص، عزل او را به اطلاع مردم رساند و با رسیدن این تلگراف بست نشینان پراکنده شدند و آرامش به شهر بازگشت. (قائم مقامی، ۱۳۵۹).

اقدامات وزیر مخصوص در فارس نتایج خوبی در پی داشت، ولی مستبدین در تهران تمام تلاش خود را به کار بستند تا زمینه عزل او و انتصاب مجدد شعاع السلطنه را فراهم کنند. سرانجام مساعی آنان نتیجه داد و وزیر مخصوص در سوم جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری عزل شد هنوز مدتی از عزل او نگذشته بود که مبارزات مشروطه خواهان در تهران به ثمر نشست و فرمان مشروطه صادر شد.

علی رغم تغییر نظام استبدادی به مشروطه، جناح استبداد در فارس به رهبری قوام الملک سوم فعال بود. قوام در آغاز سال ۱۳۲۵ هجری به همراه فرزندش از سوی محمد علی شاه برای سرکوب مشروطه خواهان شیراز به فارس اعزام شد. عملکرد او و طرفدارانش در سراسر فارس منجر به تحصن بزرگ مشروطه خواهان در تلگراف خانه شد. منابع تاریخی و اسناد روشن نمی‌کنند چرا مردم این بار در بقعه شاهچراغ (ع) به بست نشستند. به هر حال این تحصن نیز نتیجه داد و قوام الملک به تهران فراخوانده شد. فراخوانی قوام الملک به تهران منجر به آشوب دیگری در فارس شد. طرفداران وی به همراهی همسرش منشأ ناامنی و ظلم و ستم به مردم شدند. اوضاع نابسامان امنیتی و اقتصادی سران و اقدامات مستبدین در شیراز، مشروطه خواه را به تکاپو واداشت. آنان تصمیم گرفتند از مجتهد پرنفوذ لاری دعوت کنند. حضور سید عبدالحسین لاری در پنجم رمضان سال ۱۳۲۵ هجری در بقعه شاهچراغ، امیدی تازه در دل مشروطه خواهان برای مبارزه با سران استبداد بود. به خصوص آن که تجمع روزه داران در این ایام فرصت مناسبی را برای رسیدن به اهداف فراهم می‌کرد. مجتهد لاری پنج روز بعد از حضور در شیراز اولین نماز جمعه خود را با جمعیت زیادی در شاهچراغ اقامه کرد. جناح ضد مشروطه که شاهد تجمع مردم در این بقعه بود مسجد نو را به عنوان پایگاه خود انتخاب کرد. درگیری بین مشروطه خواهان به رهبری آیت الله لاری و مستبدان به رهبری قوام الملک آغاز شد. قوامی‌ها گنبدهای شاهچراغ (ع)، «سید میر محمد» و «سید علاء الدین حسین» را مورد هدف قرار دادند به طوری که اثری از کاشی‌های این بقاع نماند. از حبیب الله خان قوام (قوام الملک چهارم) پرسیده بودند چگونه به گنبد شاهچراغ بزینیم؟ گفته بود: بزیند کاشی است!! سه ماه درگیری بین طرفین ادامه داشت و مساعی آیت الله سیدعلی کازرونی برای خاتمه درگیری بین طرفین بی‌نتیجه بود تا این که سرانجام در نهم ذیحجه سال ۱۳۲۵

هجری درگیری‌ها با وساطت آیت الله کازرونی خاتمه یافت و آرامش به شهر بازگشت ولی این آرامش موقتی بود زیرا پس از مدتی سر دستة مستبدین در فارس کشته شد و این واقعه منشأ درگیری‌های بعدی در فارس شد که چون آن وقایع ارتباطی با بقعة شاهچراغ(ع) ندارد به آن اشاره نمی‌شود.

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نقطه عطفی در پیروزی انقلاب اسلامی است. این قیام هنگامی رخ داد که مردم بسیاری از شهرهای ایران از جمله شیراز نسبت به دستگیری امام خمینی(ره) اعتراض داشتند. دستگیری امام هنگامی توسط مأموران رژیم پهلوی رقم خورد که ایشان در یک سخنرانی اعتراضی و مهیج در مدرسه فیضیه نظام شاهنشاهی را مورد حمله قرار داد و آشکارا اعلام کرد که «اسلام در خطر» است. عکس العمل رژیم در قبال این سخنرانی، شدید بود. نیمه شب ۱۴ خرداد، مأموران امام را دستگیر و به تهران منتقل کردند. پس از رسیدن این خبر به شیراز همچون دیگر شهرها اعتراضات گسترده‌ای صورت گرفت. کانون اعتراضات مردم شیراز در ۱۶ خرداد، حرم احمد بن موسی(ع) بود (تدین، ۱۳۸۴). در تجمع مردم، علمای مشهور شهر حضور داشتند و به ایراد سخنرانی پرداختند. هنوز ساعاتی از پایان مراسم نگذشته بود که مأموران رژیم آیت الله بهاء‌الدین محلاتی و فرزندش مجدالدین محلاتی را شبانه دستگیر کردند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ب ۲۳۴، ص ۴۹) و به همراه آیت الله سید عبدالحسین دستغیب و جلال‌الدین آیت الله زاده (برادرزاده آیت الله محلاتی) با یک هواپیمای نظامی به تهران منقل کردند (عرفان منش، ۱۳۷۵). پس از انتشار خبر دستگیری علماء، در فردای آن روز تعداد زیادی از مردم در شاهچراغ(ع) و مسجد نو تجمع کردند و در هنگام پراکنده شدن به سینماها و اماکن دولتی حمله ور شدند. در شیراز حکومت نظامی برقرار شد و پس از زخمی شدن سر کلانتر شیراز و تعدادی از مردم، آرامش به شهر بازگشت (تدین، ۱۳۸۴).

هنوز مدتی از آزادی آیت الله محلاتی نگذشته بود که رژیم، امام خمینی را به دلیل موضع گیری شدید ایشان نسبت به کاپیتولاسیون تبعید کرد. آیت الله محلاتی در یک سخنرانی آتشین به مردم دستور داد تا در اعتراض به این اقدام رژیم در تکیه‌های مذهبی از جمله بقعة احمدبن موسی(ع) به بست نشینند (روحانی، ۱۳۷۶). گزارشی از انعکاس این واقعه و واکنش

نیروه‌های رژیم در دست نیست و در سال‌هایی که امام خمینی در تبعید به سر می‌برد، سخنرانی‌های علما در بقعه، بیشتر حول مسائل مذهبی بوده است. مهرماه سال ۱۳۵۶ مبارزات سیاسی در حرم احمد بن موسی (ع) مجدداً رونق گرفت. در ابتدای پاییز همین سال آیت الله مصطفی خمینی به طرز مشکوکی درگذشت. به همین مناسبت مجلس ختمی در مسجد عتیق برگزار شد. پس از خاتمه مراسم، مردم به سمت شاهچراغ (ع) به راه افتادند و در صحن و مساجد اطراف آن تجمع اعتراضی برگزار کردند (دستغیب، ۱۳۷۸). اوج گیری مبارزات مردمی علیه رژیم پهلوی، سال ۱۳۵۷ است و کانون این مبارزات، اماکن مذهبی مثل مساجد و بقاع متبرکه بود. علمای مذهبی در این اماکن مردم را هر چه بیشتر برای رسیدن به خواسته‌های انقلابی ترغیب می‌کردند. در این میان حرم احمد بن موسی (ع) در شیراز موقعیت خاصی داشت، زیرا سخنرانان در تمام روز با اجتماع بزرگی از مردم روبه رو بودند که به قصد زیارت به این مکان مذهبی می‌آمدند، بنابراین می‌توانستند پیام خود را در پوشش بیانات مذهبی به گوش مردم برسانند.

آخرین تجمع بزرگ مردم شیراز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مربوط به صبح پیروزی انقلاب یعنی ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ است. در این روز اجتماع بزرگی از مردم در حرم شکل گرفت. سخنرانان با ایراد سخنرانی در این جمع از نیروهای نظامی خواستند به انقلابیون بپیوندند. در پایان مراسم مردم به سوی کلاتری‌های اطراف حرم راه افتادند و کلاتری‌ها به دست کمیته‌های مردمی افتاد و سرانجام مبارزات مردم در شیراز و سایر شهرها نتیجه داد و انقلاب اسلامی در همین روز به پیروزی رسید.

نتیجه

بقعه احمد بن موسی (ع) در شیراز منشأ برکات مختلف در این شهر بوده است. حضرت احمد بن موسی (ع) زمانی به فارس رسید که قصد دیدار برادر و یاری ایشان را داشت. چون به غرب شیراز رسید مأموران مأمون مانع حرکت ایشان و همراهانشان شدند. پس از درگیری، جنگ به داخل شهر کشیده شد و شاهچراغ (ع) و تعدادی از امامزادگان به شهادت رسیدند. جسد مطهر ایشان مدت‌ها پنهان بود تا این که در عصر اتابکان سلغری کشف و در همان زمان توسط وزیر ابوبکر، بقعه ای بر آن ساخته شد.

بقعه مطهر در طول حیات تاریخی خود در سه عصر افغانه، قاجاری و پهلوی مکانی برای تحصن و بست نشینی و پناه جستن به آن از ظلم و ستم حاکمان زمانه بوده است. در نهضت تنباکو پایگاهی برای مبارزه ضد استعماری و در عصر مشروطه پناهگاه آزادی خواهان مقابل مستبدین بود. بست نشینی در بقعه که از آغاز سال ۱۳۲۳ هجری شروع شده بود در ماه رمضان اوج گرفت و همان اتفاقاتی که در ایام رمضان و در نهضت تنباکو رخ داده بود تکرار می‌شد. علمای دینی در این ایام حداکثر سعی خود را برای گسترش اعتراض و تجمع به کار بردند. نقش بقعه در پیروزی انقلاب اسلامی بسیار مهم بود، زیرا از این مکان بود که سازماندهی نیروهای مذهبی صورت می‌گرفت و به دیگر نقاط شهر هدایت می‌شد. رصد اطلاعات تاریخی نیز مؤید این دیدگاه است که اوج اعتراضات مردمی علیه رژیم پهلوی در ایام محرم و رمضان در بقعه صورت می‌گرفت.

منابع

- تدین، پروین دخت، (۱۳۸۴). والیان و استانداران فارس بین دو انقلاب مشروطیت و اسلامی. شیراز: امید ایرانیان و بنیاد فارس شناسی.
- دستغیب، سید علی اصغر، (۱۳۷۸). خاطرات حجت الاسلام سید علی اصغر دستغیب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رحمتی، محمد رضا، (۱۳۷۱). نقش مجتهد فارس در نهضت تنباکو. قم: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
- روحانی زیارتی، حمید، (۱۳۷۶). نهضت امام خمینی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شعبانی، رضا، (۱۳۷۷). تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه. تهران: سمت.
- عرفان منش، جلیل، (۱۳۷۶). جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا(ع) از مدینه تا مرو. مشهد: آستان قدس رضوی.
- قائم مقامی، جهانگیر، (۱۳۵۹). نهضت آزادی خواهی مردم فارس در انقلاب مشروطیت ایران. مرکز تحقیقات تاریخی.
- کرمانی، ناظم الاسلام، (۱۳۶۱). تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.